

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

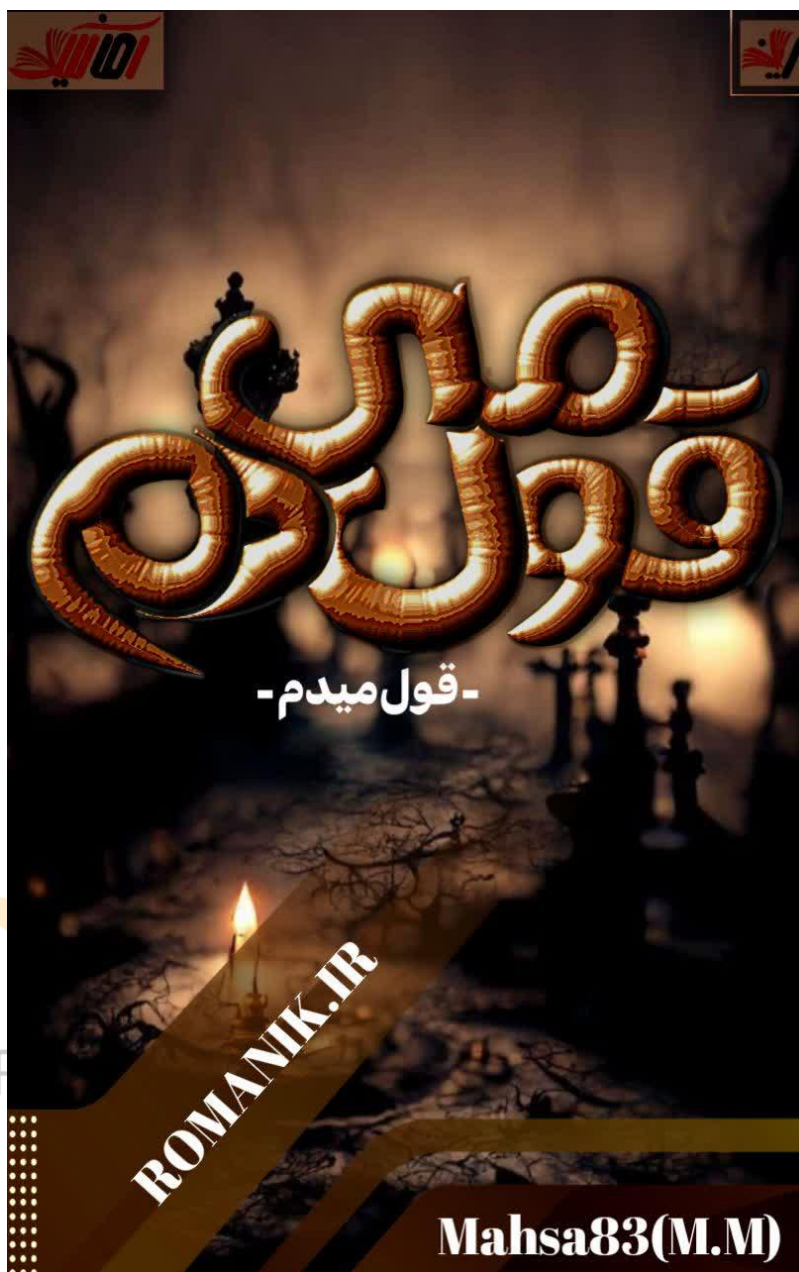
## اطلاعات اثر:

نام اثر: قول میدم	نویسنده: Mahsa83(M.M)
سطح اثر: برنزی	نوع اثر: دیالوگ نویسی
تعداد صفحات: ۹	ژانر اثر: عاشقانه، تراژدی
حقوق اثر: (تمامی حقوق این اثر نزد رمانیک محفوظ است.)	اختصاصی بودن اثر: بله

## لینک های اثر:

لینک نمایه نویسنده: <a href="#">(کلیک کنید)</a>	لینک تایپیک اثر در انجمن: <a href="#">(کلیک کنید)</a>
لینک سایت اصلی رمانیک: <a href="#">(کلیک کنید)</a>	لینک انجمن رمانیک: <a href="#">(کلیک کنید)</a>

تایپ آثار



### تیم اجرایی اثر:

کپیست:

Serino

طراح جلد:

Delvinak

منتقد:

Nil@85

ویراستار:

Paradox

خلاصه:

قول میدم کنارت بمونم!

تنهات نمی‌ذارم...

توأم همیشه کنارم باش... .



R O M A N I K

\_ عشقم!

\_ جونم؟

\_ هر اتفاقی هم برام بیوفته هیچ وقت فراموش نکن که چه قدر دوست دارم. به من یه قوئل بدہ!

\_ چه قوئل؟

\_ که همیشه کنارم بمونی و این که می خوام لحظه ی مرگم، تو آغوش تو جون بدم.  
\_ مرگ من این حرف ها رو زن.

\_ قسم نخور، تو رو خدا. تو که می دونی دوست ندارم نه جونت رو قسم بدی و نه این حرف ها رو بزنی.

\_ قربون چشم هات بشم من! چشم، قسم نمیدم.

\_ هر سری همین رو میگویی؛ ولی باز هم قسم میدی.

\_ معذرت می خوام نفسم.

\_ اصلاً قهرم!

R O M A N I K

\_ چرا؟

\_ چون قسم میدی.

\_ من هم دوست دارم، دلم نمی خواد این حرف ها رو بزنی.

\_ دیگه نگو امیر!

\_ چشم! حالا بغض نکن تپلم.

\_ خیلی دوست دارم!

\_ من هم همین طور!

\_ هیچ وقت تنهام نذار، باشه؟ من بدون تو نمی تونم.

\_ هیس! همیشه کنارتم دیوونه.

\_ قول میدی؟

\_ قول میدم.

\_ اما می ترسم.

\_ از چی دورت بگردم؟

\_ از این که یه روز ولم کنی و چشم هام نبودنت رو ببینم.

\_ من هیچ وقت ترکت نمی کنم.

\_ قربونت بشم؟

\_ خدانکنه.

\*\*\*

(چند روز بعد)

\_ عشقم!

\_ جونم؟

\_ چرا رفتارهاش چند روزه تغییر کرده؟

R O M A N I K

\_ چه جور شده؟

\_ انگار دنبال چیزی هستی؛ اما نمیگی.

انگار دوستم نداری، انگار واسه سرگمی با من هستی. خیلی سردی!

\_ سرد نیستم.

\_ پس چرا این جور می کنی؟

\_ بی خیال شو!

\_ چرا؟ داری چی رو از من مخفی می کنی؟

\_ هیچی.

– پس چرا سردی؟ چرا نادیده‌ام می‌گیری؟ چرا با احساساتم بازی می‌کنی؟  
– بس کن! دیگه خسته‌ام کردی، می‌فهمی؟

– خسته‌ات کردم؟ خیلی کثافتی امیر، خیلی. مگه تو قول نداده بودی که همیشه کنارم  
می‌مونی؟

– باشه من بد تو خوب!

– پشیمون میشی.

– بای.

– ...

\*\*\*

(دوهفته بعد)

– با امیر چی کار کردی؟

– من کاری نکردم آجی، به خدا کاری نکردم باور کن.

– می‌دونم آجی؛ اما قلبش گرفته، بردنش بیمارستان و دوستش تو رو مسئول حال و  
روزش می‌دونه.

– چی! ی.. یعنی چی؟ ق... قلبش گرفته؟

– من هم در همین حد می‌دونم.

\*\*\*

(مکالمه)

– الو.

... -

عشقم چرا هیچی نمیگی؟

... -

جوجه‌ی من!

... -

می‌دونم ناراحتی، می‌تونی عشقت رو ببخشی؟

... -

عشقم.

برادر: به کی زنگ زدی؟ اگه به مامان نگفتم به یکی زنگ زدی.

\*\*\*

(پیام)

خوبی؟

شکر، ممنونم.

شکر، چرا مراقب خودت نیستی؟

R O M A N I K روزگار دیگه می‌گذره.

با داغون کردن خودت؟

من هنوز هم دوست دارم!

دوستم داشتی ولم نمی‌کردی.

اشتباه کردم.

اون شب لعنتی بهت گفتم پشیمون میشی.

برگرد!

کسی که یه بار رفته باشه؛ راه رفتن رو بلده.

دیگه هیچ‌جا نمیرم.



– چرا ولم کردی؟ ولم کردی با این که می دونستی عاشقتم، ولم کردی با این که می دونستی بدون تو نمی تونم زنده بمونم. با خودت حتی فکر نکردی چی به سرم میاد.

– ببخش!

– برگردی حق نداری دیگه بری، اگه باز هم بری خودم رو می کشم بهت قول میدم.

– چشم، معذرت می خوام!

– من دوست دارم!

– منم، چرا سردی؟

– سرد نیستم.

– دیگه دوستم نداری؟

– دوست دارم!

– پس دلیل برخوردت چیه؟

– برای من سخته بپذیرم همچین کاری کردی، هنوز هم باورم نشده.

– معذرت می خوام عشقم.

– دیگه حق نداری ولم کنی.

– چشم! بیا پیشم نفسم.

– امیر!

– جونم.

– چرا قلبت گرفت؟ چرا بردنت بیمارستان؟

– حالم بد شد، دکتر گفت استرس برات خوب نیست.

– امیر!

– جونم.

R O M A N I K

- \_ خیلی دوست دارم!
- \_ من هم دوست دارم.
- \_ قول میدی همه جوهره مراقب خودت باشی.
- \_ چشم، قول میدم.
- \_ حتی اگه یه روز من نباشم، فراموش نکن چه قدر دوست دارم، قولت هم فراموش نکن.
- \_ | این حرفها چیه می زنی.
- \_ لطفاً!
- \_ چشم؛ اما از این حرفها نزن.
- \_ امیر!
- \_ جونم!
- \_ اگه بمیرم چی میشه؟
- \_ عشقم جون من نگو این جورى.
- \_ قسم نده!
- \_ چشم!
- \_ امیر!
- \_ جونم!
- \_ اگه یه چیزی بهت بگم باز هم میری؟
- \_ هیچ وقت ولت نمی کنم.
- \_ من... من سرطان دارم.
- \_ دروغ میگی! بگو دروغه، بگو دیگه.
- \_ ببخشید!



\_ نه امکان نداره.

\_ عشقم آروم باش!

\_ نمی‌تونم، خودت می‌فهمی داری چی میگی؟

\_ نمی‌خوام بیشتر از این وابسته من بشی که اگه اتفاقی برای من افتاد ضربه بخوری.

\_ این‌جوری نگو!

\_ می‌ترسم!

\_ از چی؟

\_ از این‌که باز هم بری، از این‌که عمرم به قدری نباشه که کنارت باشم.

\_ هیس! نمی‌خوام از نبودنت بگی؛ تو باید همیشه کنار من باشی. قول میدی؟

\_ قول میدم تا وقتی زنده‌ام کنار تو باشم.

\_ دوست دارم!

\_ من هم دوست دارم.

\*\*\*

R O M A N I K (دو روز بعد - شخصیت پسر)

\_ عشقم چرا از صبح نیستی؟

\_ شما؟

\_ دیگه عشقت رو یادت نمیاد؟

\_ مادر گندم هستم!

\_ سلام خویین؟

\_ ممنونم.

\_ خداروشکر، ببخشید گندم کجاست؟ چرا از صبح نیست.

- \_ گندم دیگه کنارمون نیست پسرَم.
- \_ چی! ی... یع... یعنی چی نیست؟
- \_ گندم رو از دست دادیم.
- \_ نه همیشه! قول داد همیشه کنارم می‌مونه.
- \_ گاهی خیلی زود برای هر چیزی دیر میشه! خیلی زود عزیزانمون رو از دست می‌دیم.

\*\*\*

پایان



R O M A N I K

«با تشکر از نگاه زیبای شما، این اثر به پایان رسید.»

برای مطالعه دیگر آثار نویسندگان، از سایت رمانیک بازدید فرمایید.

برای ارسال اثر نوشته شده توسط شما و انتشار آن بر روی سایت رمانیک، به [این لینک](#) مراجعه کرده و یا به اعضای انجمن رمانیک بپیوندید.

## رمانیک در شبکه‌های اجتماعی:

R O K



[Romanik ir](#)



[Romanik ir](#)



[Romaniki](#)